



۲۰۲۱/۰۲/۰۵



خلیل الله معروفی

زبان - مادر علوم و فرهنگ



چند روز پیش در "آریانا افغانستان آنلاین" مقاله جالب و جامع داکتر صاحب "ظاهر جان عزیز" را در مورد "فرهنگ" مرور کردم و از اول تا آخرش فیض گرفتم. میخوام به رسته خود چیزی در مورد "زبان و علوم و فرهنگ" بر زبان آرم. آنچه را ضمن این نوشته بیرون میدهم، برداشت شخص خود من ازین موضوع است و ضرور نیست، که با معاییر عالمگیر و سخنان "بزرگان زبان" حتماً مطابقت داشته باشد. در هر صورت چیزی که در زمینه پیش میکشم، تا خوانندگان گرانقدر و اهل دانش و فرهنگ آن را با ترازوی معیارهای منقول و معقول بسنجند و اگر سخنان و گفته هایم مورد پذیرش و پسندیشان قرار نگیرد، بر من سخت نگیرند، که به گفته "اتفاقاً دُرُست" ملایان، هر انسان "جانز الخطاء" است!!!

بارها و ضمن مقالات متعددم گفته ام، که "بالاترین و مهمترین دستاورد انسان در تمام طول تاریخ"، ایجاد و انکشاف "زبان" است، که وسیله و آله انتقال پیام بین ابنای بشر است. اگر "زبان" به وجود نمی آمد، گشودی در کار بسته بشر هم رخ نمیداد و گشایش و انکشافی در حیات و زندگانش به وقوع نمیپوست. نه علمی پدید می آمدند و نه ارزشهایی، که در مجموع زیر نام "فرهنگ" قابل مطالعه میباشند. من بدین باورم، که تمام شؤون حیاتی بشر، از علوم و فنون و تکنالوژی گرفته تا ارزشهای اجتماعی و فرهنگی و مدنی، همه و همه، بدون استثناء مدیون "زبان" هستند. چون اگر "زبان" وجود نداشت، گشود و کشایشی در کار بشر میسر نمیگشت؛ نه تمدنی میداشتیم، نه علوم به میان می آمدند و منکشف میگشتند و نه فنون و صنایع و نه شؤون فرهنگی پس "زبان" اساس و بنیاد و بلکه "مادر" تمام دستاوردهای انسان در تمام طول حیات وی است. ضمن یکی از مقالاتم چنین نوشته بودم:

«چه معناییست، "زبان"، که با کُنه و ذات و کیف و کانش، عجیبترین پدیده روزگار گشته است؛ و وقتی "زبان" میگویم، مراد از "گویائی و قدرت و قابلیت بیان و افهام و تفهیم و مخابره و مکالمه و سخن گفتن" است!!!
- "زبان" است، که از بین تمام هموعان حیوانی، تنها "انسان" را موجودی متعالی و تکامل اجتماعی ساخته است.
- و "زبان" است، که تهادب و شالوده اجتماع و علوم و فنون و تکنالوژی و تمام شؤون تمدن بزرگ بشری را تشکیل میدهد.

- و اگر "زبان" نمیبود، انسان به مانند همه وحوش و جانداران دیگر طبیعت، وحشی میزیست، منکوب طبیعت میبود و هرگز نمیتوانست عزم و اراده خود را بر طبیعت و پدیده های لایتناها و نهمارش، تحمیل کند!!! این بدین معناست، که امروز هرچه از خوبیها و بدیها در زندگانی داریم، از برکت و از گل روی "زبان" است. اگر پیشرفت و علوم و

معارف و سیر در انفس و آفاق داریم، از برکت "زبان" است و اگر پسرقت و فساد و کجروی و انحراف و ابتذال و تباهی و انهدام داریم، نیز از خمیرمایه زبان، مایه میگیرد. اگر "بنی آدم" و به تلفظ شیرین و اختصاری عامیانه عوام کابلی، "بنیادم"، به مهر آنور و درجات متعالی میرسد، از فیض نامحدود و لاثحصای زبان است و اگر به تحت السقر و حسیض فساد و ابتذال و انهدام سقوط میکند، نیز از دست همین "زبان" است!!!

انسان از "زبان" نه تنها در شکل مادی آن، که در هیئت "سمعی و بصری" مُذَرک (قابل ادراک) و متبلور است، استفاده میکند، بلکه وقتی می اندیشد و به تفکر اندر میشود، نیز از "زبان" کار میگیرد. و "تفکر" هم چیزی دیگر نیست، مگر استعمال و چرخاندن زبان در نفس؛ و به عبارت دیگر "گپ زدن با خود و در دل و دماغ و مغز خود". اگر ازین دریچه بنگریم - و به فکر من، راه دیگری نمیاند، مگر این، که بنگریم - "تفکر" و "اندیشیدن" در واقع، "جولان ذهنی و ظاهراً غیر مادی زبان" است. قویاً بدین باور هستم، که اگر "زبان" و "قابلیت سخن گفتن" در بشر نمیبود، مغز انسان نیز هرگز منکشف نمیگشت؛ ولو که حجم و ظرفیت مغز انسان به مقایسه حیوانات دیگر، به مراتب بزرگتر و مستعدتر هم هست!!!

"گپ زدن" و "گویائی" امریست کاملاً کسبی و اکتسابی، ولی "شنوائی و بینائی و بویائی" و دیگر حواس، همه طبیعی. "گویائی" تنها از طریق "شنوائی" میسر میگردد و اگر کسی "کر مادرزاد" باشد؛ یعنی از مادر "کر" به دنیا آمده باشد، خود به خود "گنگ" و به اصطلاح عوام، "گنگه" بار می آید.

هر زبان در ذات خود عالم خاصی را تجسم میدهد، که از اخلاق و آداب و رسوم و عنعنات و سنن و خلاصه کلتور و ثقافت هر کُتله و مجتمع بشری و قوم و ملت، تبعیت و نمایندگی مینماید. و اگر "زبان" را "آئینه قدنمای فرهنگ و ثقافت گویندگان آن" بدانیم، جای دارد. پس هر "زبان"، نما و نماینده یک ثقافت و فرهنگ خاص است. «(مأخوذ از قسمت اول مقاله "خلیل الله معروفی" زیر عنوان "عرش اگر باشم، زمین اسمان ببدم" - مؤرخ ۱۵ اپریل ۲۰۱۸ "آریانا افغانستان آنلاین")

حالا مگر بدین نتیجه رسیده ام، که نه تنها "زبان" در ذات و اساس خود جزء "فرهنگ" نیست، بلکه این "فرهنگ" است، که جزء "زبان" است!!! به زعم و دریافت و برداشت شخص من، "زبان" نه تنها "مادر علوم و فنون و همه شؤون انسانی" ست، بلکه "مادر انسانیت" انسان نیز هست. پس زبان را ناچیز ننگریم و با بی پروائی و بی بند و باری و لایبالی از برابری نگذریم، که زبان "مادر" و "ایجادگر" و "زاینده" تمام شؤون بشری ست!!!

البته همان قسمی، که علوم و شؤون و فرهنگ بشری زاده و مدیون "زبان" میباشند، در طرف مقابل، ارزشهای علمی و مدنی و فرهنگی به رسته خود بر "زبان" اثر کرده و باعث باروری و غنای و انکشاف مزید و روزافزون آن میگرددند. گویا همین تبادلات و داد و گرفتهای وسیع و گسترده زبانی و علمی و فرهنگی و اجتماعی ست، که باعث شده، تا در جهان و در روی کره خاکی، نه "زبان خالص" سراغ شده بتواند و نه "فرهنگ خالص". جهان در حال درآمیزی و اختلاط است و این پروسه و جریان در حال رشد و انکشاف سریع و سرسام آور است. مناسبات زبان و فرهنگ و علوم و صنایع، ممد و مددگار یکدیگرند و باعث تکامل و انکشاف همدگر. تا در آخر کار، چه چیزی از پرده برون افتد؟؟؟

ناگفته نمیگذارم، که:

در قرآن مجید و در سوره مبارکه "الرحمن" میخوانیم:

«... خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ...»

خداوند بزرگ درین سوره متبرکه میفرماید:

«... خداوند انسان را خلق کرد و به او قوه بیان را تعلیم داد...»

گرچه قرآن مجید - و شاید کتب دیگر آسمانی نیز - درین مورد، حکم صریح صادر میکند، مگر دانشمندان ساینس و علوم تجربی (طبیعی) در قصه ادیان نیستند و تنها به چیزهائی باور دارند، که از طریق تجربه و از طریق قوانین مسلم طبیعی، از قبیل فزیک و کیمیا و بیالوژی و غیرهم، قابل ثبوت میباشند. و "گوش شیطان کر"، که این قصه را به "طالبان کرام" نرساند، ورنه حکم تکفیر همه علمای ساینس و علوم طبیعی را صادر کرده و "قمچین دوزبانه" را به جان ایشان خواهند گرفت!!! در مورد "زبان"، سینه سینه سخن موجود است و درین نوبت، همین چند سطر مختصر را مکتفی دانستم!!!

(خلیل الله معروفی - همبورگ - دوم فیروی ۲۰۲۱)



برای مطالب دیگر خلیل الله معروفی، بر روی عکس کلیک کنید